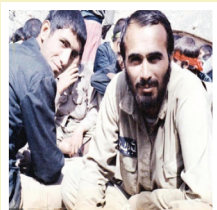


آنچه ما از بچه‌های دانشجو، از شما جوان‌های عزیز که من خیلی به شماها واقعاً علاقه‌مندم، انتظار دارم این است که شماها باید خودجوش باشید، باید خودکار باشید، باید منتظر این نباشید که شما را به کار وادار کنند.

دیدار جمعی از دانشجویان بارهبر انقلاب صفحه ۲

سال هفتم | شماره هفتاد و هشت | خرداد ماه ۱۳۹۸ | زون ۲۰۱۹

شهید اول



صفحه ۳

دموکراسی در علم



صفحه ۴

چریک عارف



صفحه ۵

نبض زمین در دستان ماست



صفحه ۷

نقش جامعه در ترویج کارآفرینی



صفحه ۸

گذری بر زندگی دکتر علی شریعتی



صفحه ۹

ساده بخوانید اما ساده نگذرد!



صفحه ۱۰

همفیلی



صفحه ۱۱

ایام امتحانات



صفحه ۱۲

مهمترین دلیل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ژئوپلیتیکی هست

صفحه ۶



راه کار حل بحران‌های ملی باید از طریق دانشگاهیان ارائه شود



سی و سومین گردهمایی مدیران گروه‌های آموزشی با حضور هیأت رئیسه دانشگاه، هیأت رئیسه دانشکده‌ها، کلیه مدیران ستادی و مدیران گروه‌های آموزشی با محوریت موضوع «نقش دانشگاه‌ها در مدیریت بحران‌های ملی - مسأله آب» در سالن اجتماعات شهید مطهری برگزار شد. در ادامه این گردهمایی دکتر احمدی خاطر نشان کرد: خدمت به جامعه و حل مشکلات آن، به عنوان یکی از محورهای مهم و اولویت‌های فعالیت دانشگاه است. بر اساس اهداف تبیین شده طرح تحول راهبردی دانشگاه، فعالیت در راستای حل مشکلات جامعه به عنوان یکی از وظایف دانشگاهیان تعریف شده است. گردهمایی نقش دانشگاه‌ها در مدیریت بحران ملی توسط دکتر محمد فاضلی بررسی و تحلیل کارشناسی سیلاب‌های اخیر توسط دکتر مهدی مظاهری ارائه شد. برگزاری پنل تخصصی آب با حضور دکتر مینایی، دکتر آقاچوچک، دکتر فاضلی، دکتر سیما و دکتر مظاهری و تقدیر از مدیران گروه‌های آموزشی نمونه و تلاشگر از دیگر بخش‌های سی و سومین گردهمایی مدیران گروه‌های آموزشی بود.

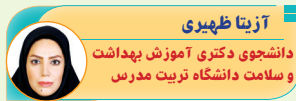
جایگاه علم، فلسفه و دین در پاسخ به سوال منشأ انسان



اولین همایش ملی منشأ حیات، دیدگاه‌های علمی - فلسفی توسط فرهنگستان علوم، گروه علوم پایه، شاخه زیست‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس و با همکاری انجمن علمی مهندسی حیات در روز چهارشنبه مورخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۹۸ با سخنرانی اساتید مدعو؛ دکتر رضا داوری اردکانی (رئیس فرهنگستان علوم)، دکتر مهدی گلشنی (عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی)، دکتر ابوالفضل درویش (استاد ممتاز دانشگاه گیلان) حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر فلاح رفیع (عضو هیأت علمی گروه فلسفه و حکمت دانشگاه تربیت مدرس)، در سالن همایش مطهری دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد. دکتر فلاح رفیع مسئول نهاد رهبری دانشگاه تربیت مدرس ضمن تفکیک سوالات چهارگانه در زمینه منشأ عالم، حیات، موجودات و منشأ انسان به این بحث اشاره کردند که ما در موضوع منشأ حیات با سوالاتی مواجه هستیم که با سوالات از مبدأ حیات متفاوت است. وی سپس با بیان رسالت‌های اصلی منابع پاسخگو به سوالات مطرح در زمینه منشأ حیات و مبدأ حیات به تبیین

ادامه در صفحه ۳

زندگی بدون دخانیات، حقی برای همه



آزیتا ظهیری
دانشجوی دکتری آموزش بهداشت
و سلامت دانشگاه تربیت مدرس

بر اساس آمارهای سازمان جهانی بهداشت، دخانیات سالانه ۶ میلیون قربانی می‌گیرد که بیش از ۶۰۰ هزار نفر از این قربانیان، افراد غیر سیگاری هستند که به دلیل قرار گرفتن در معرض دود سیگار سایرین جان خود را از دست می‌دهند. اگر راهکارهای جدی و موثرتری برای کاهش استعمال دخانیات صورت نگیرد، تا سال ۲۰۳۰ میلادی، سالانه تعداد مرگ و میر ناشی از استفاده از دخانیات به بیش از ۸ میلیون نفر می‌رسد که حدود ۸۰ درصد از این تعداد مرگ و میرهای قابل پیشگیری در کشورهای با درآمد کم و متوسط رخ می‌دهد. هر ساله به مناسبت سالروز جهانی بدون دخانیات، ۳۱ ماه می مصادف با ۱۰ خرداد، اقدامات و فعالیت‌های گسترده‌ای در سطح کشور با همکاری ارگان‌های ذیربط به منظور حمایت‌طلبی برای اجرای سیاست‌های موثرتر کاهش مصرف دخانیات و ارتقای سطح آگاهی عمومی به ویژه جوانان و نوجوانان نسبت به مضرات استعمال دخانیات انجام می‌شود. مصرف دخانیات سالانه میلیون‌ها نفر از مردم جهان را به کام مرگ می‌کشد و مایه رنج بسیار و تحمیل هزینه‌های بی‌شمار اقتصادی و اجتماعی می‌شود. با توجه به اینکه هر نُه ثانیه، یک نفر به دلیل مصرف دخانیات می‌میرد، آثار مصرف دخانیات به یک همه‌گیری جهانی تشبیه شده است. دخانیات مهم‌ترین عامل قابل پیش‌گیری مرگ زودرس در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته است، ولی در بیشتر موارد، حتی خطرهای بهداشتی آن کمتر تخمین زده می‌شود. در آلمان نخستین کارخانه سیگارسازی در سال ۱۸۶۲ به کار افتاد. در کشورهای انگلستان و امریکا صنعت سیگارسازی در سال ۱۸۶۶ به وجود آمد. البته مصرف سیگار از اوایل قرن بیستم به شدت رو به گسترش نهاد. امروزه در جهان سالیانه صدها میلیارد سیگار تهیه و مصرف می‌شود.

در کشور ایران نزدیک به ۱۰ میلیون سیگاری، روزانه بیش از سه میلیارد تومان! خرج سیگار می‌کنند. (یعنی در هر سال بیش از یک هزار میلیارد تومان!)

به طور متوسط دولت‌ها بیش از دوبرابر مبلغ مصرف سیگار صرف «هزینه بیماری‌ها و درمان عوارض ناشی از سیگار» می‌نمایند؛ یعنی رقمی نزدیک به ۶ میلیارد تومان در ایران در هر روز (و در سال بیش از دو هزار میلیارد تومان).

سالیانه ۵۴ میلیارد نخ سیگار در ایران مصرف می‌شود که نزدیک به ۱۲ میلیارد نخ آن تولید داخل و بقیه عمدتاً از طریق قاچاق وارد و توزیع می‌شود. (یعنی بیش از ۷۵ درصد پول سیگار به خارج می‌رود).

دود سیگار حاوی ۴۰۰۰ ماده شیمیایی است که سرطان‌زا بودن ۵۰ نوع از آن‌ها به اثبات رسیده است.

- در سراسر جهان روزانه بیش از ۳۲۰۰ نوجوان در سن زیر ۱۸ سال شروع به سیگار کشیدن می‌کنند که برای حدود ۲۱۰۰ نفر از آن‌ها تبدیل به عادت روزانه می‌شود.
- به طور متوسط طول عمر افراد سیگاری در مقایسه با افراد غیرسیگاری ۱۳ تا ۱۵ سال کمتر است.
- وابستگی به مصرف سیگار، جزء طبقه بندی بین‌المللی بیماری‌ها قرار دارد.

- در سراسر جهان از هر ۱۰ نفر بزرگسال، کشیدن سیگار باعث مرگ یک نفر می‌شود و این نسبت تا سال ۲۰۳۰ میلادی به یک نفر از هر ۶ نفر بزرگسال تغییر می‌کند.
مصرف سیگار، خطر بروز بیماری‌های قلبی عروقی و سکته مغزی را ۲ تا ۴ برابر افزایش می‌دهد.

قرار گرفتن در معرض دود سیگار دیگران، احتمال گرفتگی قلبی عروقی را ۲۵ تا ۳۰ درصد و احتمال بروز سکته مغزی را ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش می‌دهد.

استعمال سیگار و دخانیات سبب آسیب به پوشش دیواره رگ‌های خون‌رسانی کننده قلب و مغز و سایر اعضای بدن می‌شود. در نتیجه ضربان قلب و فشار خون بالا می‌رود. همچنین استعمال سیگار باعث می‌شود که خون آسان‌تر لخته شود. لخته در صورت انسداد رگ‌ها می‌تواند منجر به بروز حمله قلبی، سکته مغزی و ... شود.

استنشاق تحمیلی دود سیگار در افرادی که سابقه بیماری‌های قلبی دارند می‌تواند زمینه‌ساز حمله گردد و نباید حتی به مقدار کم در معرض دود سیگار قرار بگیرند. سیگار عامل حداقل ۱۴ سرطان مختلف در بدن انسان می‌شود که از جمله آن‌ها می‌توان به انواع سرطان ریه، گلو، دهان، حلق، بینی، مری، معده، لوزالمعده، کلیه، مثانه و... اشاره کرد.

بیماران مبتلا به پروستات که سیگار می‌کشند، با افزایش خطر مرگ ناشی از سرطان پروستات نسبت به غیرسیگاری‌ها روبرو هستند.

مصرف سیگار باعث افزایش شیوع دیابت نوع ۲ می‌شود و کنترل آن را سخت‌تر می‌کند. احتمال بروز دیابت در افراد سیگاری ۳۰ تا ۴۰ درصد بالاتر نسبت به افراد غیرسیگاری است.

سیگار کشیدن می‌تواند افراد را مستعد ابتلا به آرتریت روماتوئید کند یا موجب پیشرفت سریع‌تر و بیشتر این بیماری گردد. روزانه از هر ۵ نفری که به بیماری آرتریت روماتوئید مبتلا می‌شوند، سیگار کشیدن مسئول بروز این بیماری در یک نفر از آن‌هاست.

استعمال دخانیات باعث ناتوانی جنسی و عقیمی در مردان و همچنین نازایی در زنان می‌شود. سیگار احتمال خطر سقط جنین را نیز افزایش می‌دهد.

ممکن است فعالیت‌هایی خاص، میل یا نیاز شدید شما به کشیدن سیگار را افزایش دهند. اگر نوشیدن قهوه شما را به کشیدن سیگار وامی‌دارد، مصرف آن را محدود کنید و تا چند هفته به جای آن چای بنوشید.

فعالیت ورزشی به کاهش اعتیاد به نیکوتین و کاهش علائم ترک آن کمک می‌کند. در مواقعی که ذهن تان به سیگار کشیدن معطوف می‌شود، با انجام ورزش مانند پیاده‌روی، دویدن و ... احساس بهتری داشته باشید. با انجام ورزش در طول ترک سیگار، به دلیل مصرف کالری مازاد، از افزایش وزن تان هم جلوگیری می‌شود.

در طول مدتی که تلاش می‌کنید سیگار را ترک کنید، سعی نمایید مقدار بیشتری میوه، سبزیجات و لبنیات کم کالری مصرف کنید. تحقیقات نشان داده است که مصرف کردن این غذاها، باعث عدم تمایل به کشیدن سیگار می‌شوند.

.....

منبع

سازمان جهانی بهداشت (WHO)

<http://www.who.int>

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان تأکید کردند: انقلاب در چهل سال گذشته در عرصه‌های گوناگون بشری و ملی، کارکرد برجسته و ممتازی داشته است و اکنون نیازمند یک حرکت عمومی منضبط و همراه با پیشرفت محسوس و با محوریت جوان متعهد و حزب‌اللهی، به سمت چشم‌انداز و اهداف بلند انقلاب اسلامی هستیم تا حضور جوانان، در نظام مدیریتی کشور تحول به وجود آورد.

ایشان در مورد نقش آفرینی جوانان برای رسیدن به چشم‌انداز روشن انقلاب گفتند: هر حرکت عمومی منضبط، صحیح و عقلانی به چهار عنصر نیاز دارد: «شناخت واقعی از صحنه»، «جهت‌گیری مشخص»، «برخورداری از عامل یا

عوامل امیدبخش» و «اتخاذ راهکارهای عملی برای هدایت این حرکت عمومی». که برای تبیین آن‌ها، به ذهن فعال و زبان گویا نیاز دارد اما عنصر چهارم به برنامه‌ریزی، تمرکز و پیگیری نیز نیاز دارد.

رهبر انقلاب اسلامی به پاسخ سؤال اصلی بحث یعنی «چگونگی ورود و نقش آفرینی جوانان در حرکت عظیم ملت ایران» پرداختند: برنامه‌ریزی و ارائه راهکار برای هدایت حرکت عظیم ملت بر عهده جریان‌ها و حلقه‌های میانی از جمله تشکل‌های دانشجویی که مجموعه‌های جوان، خوش فکر و فعال را تشکیل می‌دهند و می‌توانند نقش و شأن محور بودن برای حرکت عمومی جامعه را بر عهده بگیرند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد تشکیل گروه‌های سیاسی بیان داشتند: «حزب‌بازی» بی‌برکت است اما تشکیل گروه‌های فعال سیاسی با هدف فهم کردن و تحلیل موضوع‌ها و حوادث سیاسی و انتقال این تحلیل به دیگران، می‌تواند تأثیری بسیار اساسی داشته باشد.

«تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها»؛ ایشان با ابراز نخرسندی از کندی این حرکت تأکید کردند: جوانان منتظر حرکت رئیس دانشگاه یا مسئولان دیگر نباشند، خودشان با مطالعه خوب و با حضور افراد دارای ذهن فعال و زبان گویا این میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی را شکل دهند. در حال حاضر درصد زیادی از دانشجویان در تشکل‌ها فعال نیستند، اما اگر این گونه فعالیت‌ها انجام شود، درصد بیشتری از دانشجویان به تشکل‌ها و فعالیت‌های دانشجویی راغب می‌شوند.

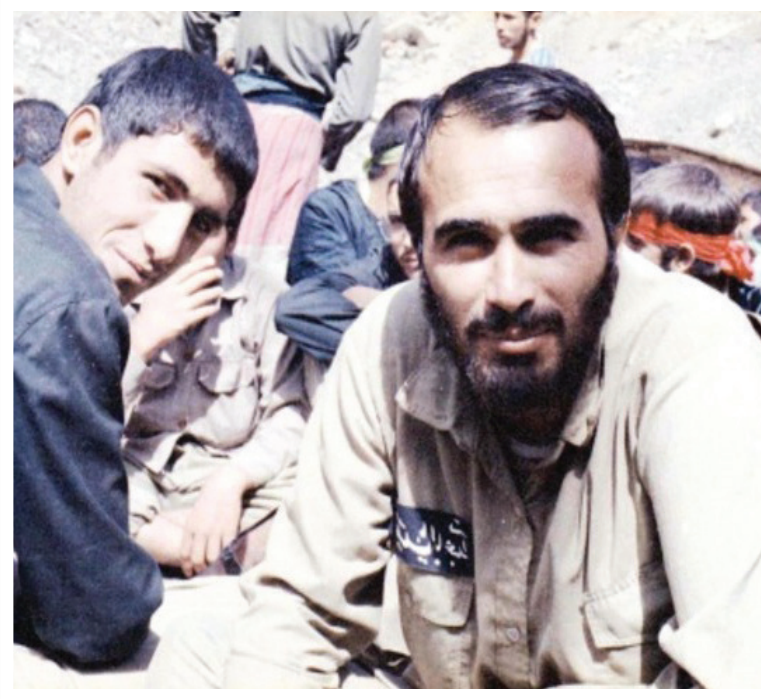
«تشکیل گروه‌های نهضتی در داخل دانشگاه‌ها» و نیز «دعوت از دانشجویان کشورهای محور مقاومت برای بحث درباره مسائل بین‌المللی و مسائل مهم جهان اسلام» «تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز و شرکت‌های دانش‌بنیان» «ارائه خدماتی چون حضور گروه‌های جهادی در مناطق مختلف» از پیشنهادات دیگر رهبر انقلاب به دانشجویان در مسیر تحقق افق روشن کشور بود.

ایشان با بیان نکته‌های مهم گفتند: این فعالیت‌ها نباید به کارها و اهداف علمی مجموعه‌های جوانان ضربه بزنند، چرا که می‌توان هم نخبه‌پشتاز علمی بود و هم در گروه‌های جهادی یا نشریات و مجموعه‌های دانشجویی فعالیت کرد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره نشریات دانشجویی نیز گفتند: کسانی که در این نشریات فعال هستند، می‌توانند با تشکیل مجموعه‌هایی، بعد از دوران دانشجویی نیز در عرصه نشر ادامه حرکت بدهند و مؤثر باشند. مجموعه‌های دانشجویی نباید منتظر دعوت باشند، باید هر کس و هر تشکلی در هر زمینه‌ای توانایی دارد، خودجوش و البته با فکر و ذهن فعال و منضبط وارد عرصه شود و بدون توجه به مشکلات، تأثیرگذاری کند.

رهبر انقلاب عوامل امیدآفرین در کشور را بسیار بیشتر از عوامل مأیوس‌کننده خواندند و به جوانان تأکید کردند: حتی اگر صد اشکال و ایراد در مسئولان یا عملکرد دستگاه‌ها می‌بینید هرگز ناامید نشوید و با توکل به خدا، با مشکلات مبارزه و افق روشن آینده را محقق کنید.

شهید اول



و تقریباً کل کتاب را می‌شد در عرض یک ساعت خواند و من در تمام مدت خاطرات را دوباره و چند باره می‌خواندم و هر بار بیشتر از قبل دلم می‌شکست. کار غرفه دوباره شروع شد و من کتاب را داخل کیفم گذاشتم. نزدیک غروب بود و کمی سرما خلویت شده بود. از غرفه مهد کودک بیرون آمدم و درست روبروی عکس‌هایی که داخل چادر بود ایستادم. چشمم افتاد به همان شهیدی که لبخندش دلم را آتش می‌زد. و این بار اسمش را خواندم «حاج حسین خرازی». عجیب بود، عکس شهید، کتاب شهید و

حالا اسراری که آرام آرام خودش را نشان می‌داد. تازه فهمیده بودم شلمچه یعنی محل عروج شهید خرازی، یعنی پل جاسم، یعنی عملیات کربلای ۵، یعنی رمز یا فاطمه الزهرا، یعنی من مهمان حاج حسین بودم. همه ما مهمان حاج حسین و شهدای کربلای ۵ بودیم. یعنی ما دعوت شده بودیم برای فهمیدن، برای وصل شدن به شهدا و برای انجام وظیفه‌ای که حالا روی دوش خودم احساس می‌کردم. همان وظیفه‌ای که اول سفر سردار حاج علی فضلی برای ما گفت، و روزهای بعد در معراج شهدا گفتند. اینکه ما باید یاد شهدا را زنده نگه داریم، ما باید ادامه‌دهنده راه شهدا باشیم و ما باید کاری زینبی کنیم. راه سختی را پیش رو داریم و باید از خود شهدا کمک بگیریم. این را هم سردار فضلی فرمودند و ما را با دعای خیرشان بدرقه کردند. حالا من با اولین شهید زندگی خودم آشنا شدم، شهیدی که مهربان بود، فروتن بود و متواضع. حالا من هم مفهوم شهادت را می‌فهمیدم، حالا من هم مسیر شهادت را انتخاب کردم و در انتهای همین سفر وصیت نامه‌ام را نوشته و به یادگار در جنوب گذاشتم. شهید خرازی درست مثل پدري مهربان مرا همراهی کرد تا رازهایی را بفهمم که بدون آنها زندگی بی‌ارزش خواهد بود. حالا هر بار که وارد شلمچه می‌شوم به رسم ادب و به حکم «فخلع نعلیک» کفش از پا می‌کنم و با هر قدم اشک می‌ریزم که مبادا پا روی خون شهیدی بگذارم. خدایا ما را یاری کن که وقتی در قیامت روبروی شهدا می‌ایستیم شرم‌منده و سرافکننده نباشیم. عکس شهید خرازی که با لبخندش به تمام دنیا و وابستگی‌های من می‌خندید.

دوباره تنگ شد این دل، ولی برای خودم برای گریه یک ریز و های های خودم خودم نیم، که خودم در شلمچه جا ماندم دوباره کاش بیفتم به دست و پای خودم

در بین صفوف نماز جماعت نشستیم. بعد از نماز از یادمان بیرون زدم، مردمی را می‌دیدم که کنار سیم خاردارها نشسته یا ایستاده بودند و گریه می‌کردند. عده‌ای اطراف راویان را گرفته بودند و از صحبت‌های آنها استفاده می‌کردند و خلاصه هر کسی حس و حال مخصوص به خودش را داشت. من هم به کنار سیم‌های خاردار رفتم اما چیزی ندیدم. بعد به کنار راویان رفتم اما باز هم حس خاصی پیدا نکردم. بعد از حدود نیم ساعت دور زدن دوباره وارد یادمان شدم و کنار همان قفسه کتاب نشستیم. خواستم از بین کتاب‌ها مفاتیحی بردارم تا شاید با خواندن زیارت عاشورا حس و حالی پیدا کنم. دستم را که داخل قفسه کتاب‌ها بردم کتاب کوچکی دستم آمد، کتابی که رنگ آن بین قهوه‌ای روشن و بنفش بود. روی آن نوشته شده بود «یادگاران خرازی». همان کتاب را برداشتم و شروع کردم به خواندن. تقریباً یک ساعت و نیم گذشته بود و من هنوز داشتم کتاب را می‌خواندم. گذر زمان را نفهمیدم و البته دلیل اشک‌هایی را که مدام از چشمم روی برگه‌های کتاب می‌چکید. با خواندن هر خاطره احساس می‌کردم تمام وجودم با آن خاطره همراه می‌شود. حتی از خواندن خاطرات شیرین این شهید باز دلم می‌شکست و اشکم جاری می‌شد. عجیب بود تا به حال همچین حس نداشتم. کتاب را روی صورتم گذاشته بودم و با صدای بلند زار می‌زدم. خوشبختانه آنجا کسی با تو کار نداشت. درست مثل حرم امام رضاع، هر کس به خودش مشغول بود و با شهدا درد دل می‌کرد. ساعت را نگاه کردم. ساعت از ۳ گذشته بود و من باید قبل ساعت ۳ برای خوردن ناهار به چادر بر می‌گشتم. بلند شدم اما از ترس اینکه کتاب را گم کنم آن را هم با خودم بردم. حوصله خوردن ناهار را نداشتم، یک گوشه نشستیم و دوباره شروع کردم به خواندن. خاطرات کوتاه بود



قسمت دوم

ساعت ۷ صبح سوار مینی‌بوس شدیم و به سمت شلمچه حرکت کردیم. در طول مسیر مدام از پنجره بیرون را نگاه می‌کردم. هر چه بیشتر از شهر دور تر و به منطقه نزدیک می‌شدیم آثار جنگ بیشتر دیده می‌شد. بالاخره به شلمچه رسیدیم. از همان بدو ورود بچه‌ها کفش‌هایشان را بیرون آوردند و با پای برهنه وارد منطقه شدند. من هم همین کار را انجام دادم اما هنوز دلیل این کار را نمی‌دانستم. چادر محل خدمت ما دقیقاً روبروی یادمان شلمچه بود. ساعت حدود ۸ در چادر مستقر شدیم و تا ساعت ۱۲ که نزدیک اذان بود از مهمان‌های شهدا پذیرایی کردیم. فضای چادر هم زیبا بود. روی دیوارها عکس‌هایی از شهدا نصب شده بود که من هیچ کدام را نمی‌شناختم. در یک قسمت غرفه فال شهدا بود. یک قسمت موزه بود و یک قسمت نمادی از قبر یک شهید. یک قسمت عکس یادگاری می‌گرفتند و در یک گوشه راوی برای مردم صحبت می‌کرد. یکی از عکس‌ها که جوان خوش‌رو و مهربانی به نظر می‌رسید نظرم را جلب کرد. اسمش زیر عکس بود اما من به اسم توجهی نداشتم. تنها چیزی که برایم جلب توجه می‌کرد لبخند قشنگی بود که روی صورت شهید نقش بسته بود. مدتی به عکس خیره شدم و بعد از کنارش گذشتم. به غرفه فال رفتم و یک فال گرفتم و بعد در کنار قبر به یاد همه شهدا فاتحه خواندم. وقت نماز و ناهار درب اصلی غرفه را بستند و به ما اجازه دادند برای نماز به یادمان برویم. هنوز احساس گنگ بودن داشتم. وارد یادمان شدم و کنار یکی از قفسه‌های کتاب

ادامه از صفحه ۱

جایگاه علم، فلسفه و دین در پاسخ به سوال منشأ انسان

بحث پرداخت. استاد فلسفه دانشگاه تربیت مدرس در بخشی از سخنان خود به اعترافات پژوهشگران معاصر اشاره کرد و گفت منشأ حیات موضوعی است که علم معاصر نیز امروزه با احتیاط کامل وارد بحث از آن شده است و قطعیت‌های سابق را کنار گذاشته‌اند. ایشان ضمن بیان شواهد متعدد به رسالت فلسفه و دین در این زمینه پرداخت و رسالت هر یک را در زمینه تبیین منشأ و مبدأ حیات افزود: رسالت اصلی دین پرداختن به مسائلی است که ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم به سعادت این جهانی و ابدی انسان دارد و اگرچه در زمینه منشأ حیات نیز مطالبی در قرآن آمده است اما همه ناظر به ساخت تربیتی در رشد و کمال انسان بوده است.

همایش پیاده روی بهارانه خانواده دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد



در این همایش که با شعار «فعالیت بدنی، زندگی سالم و با نشاط برگزار شد، دکتر موسوی (معاون پشتیبانی و منابع انسانی)، دکتر رضایی (معاون دانشجویی)، دکتر رستگار (مدیر مرکز تربیت بدنی) و جمع کثیری از کارکنان، اساتید و دانشجویان حضور داشتند. شرکت کنندگان پس از طی مسافت از پیش تعیین شده برای انجام مراسم قرعه کشی در مجموعه ورزشی شماره یک دانشگاه جمع شدند.

گفتنی است مراسم قرعه کشی ۱۰ عدد کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی و ۱۰ عدد کارت هدیه ۲۰۰ هزار تومانی با حضور معاونان پشتیبانی و منابع انسانی و دانشجویی و مدیر مرکز تربیت بدنی یک هزار و ۱۵۶ شرکت کننده برگزار و هدایا توسط معاونین دانشگاه به برندگان اهدا شد.

محمد علی حسینی نیک

کارشناسی ارشد مدیریت در سازمان
های دولتی

دموکراسی در علم



شاید عبارت «دموکراسی در علم» عبارت عجیبی به نظر برسد. احتمالاً تا امروز این اصطلاح به گوش‌تان نخورده است. شاید چون ما از «علم» انتظار داریم تا «حقیقت» را کشف کند و حقیقت نیز امری عینی و خارج از ظرف ذهن مردم است، اصطلاح «دموکراسی در علم» به نظرمان عجیب می‌رسد. ولی واقعیت

این است که علم امروزی به صورت عام و بالاخص علم اجتماعی امروزی به صورت خاص بسیار دموکراتیزه شده‌اند. البته هر کدام از زاویه‌ای؛ و با میزان خاصی، با معایب دموکراسی آمیخته شده‌اند؛ اما در هر صورت همه شاخه‌های علوم به نحوی با سلیقه عوام‌الناس گره خورده‌اند. هر کدام را توضیح خواهیم داد. نکته مهم آن است که وقتی از اصطلاح «دموکراسی در علم» سخن می‌رانیم، مفهوم «دموکراسی» را آنقدر تنگ در نظر نگرفته‌ایم که مرادمان صرفاً همان برگه رای باشد. اجازه بدهید برای فهم بهتر، به سراغ اصل مطلب برویم:

۱- پارادایم اصلی و تقریباً غالب جامعه علمی امروز در سطح دنیا، پارادایم پست‌مدرن است. پست‌مدرن‌ها به چیزی به عنوان حقیقت خارج از ذهن اعتقادی ندارند. یعنی معتقدند هر حادثه و رخدادی در عالم نوعی «متن» است که باید تفسیر شود. چه کسی تفسیر می‌کند؟ من و شما و بقیه مردم. هر کسی اجازه دارد که هر متنی را تفسیر کند. تفسیر یعنی چه؟ یعنی ما بر اساس ذهنیات، دانش و تجربه قبلی خودمان با آن متن روبه‌رو شویم و هر آنچه را که فهمیده‌ایم بیان کنیم؛ این می‌شود تفسیر! در تفسیر، من و شما یا به طور کل ناظر بیرونی، به آن حادثه معنا و مفهوم می‌بخشد. خوب تا اینجا کار شاید خیلی با مشکل غامضی سروکار نداشته باشیم. مشکل از آنجا شروع می‌شود که اولاً چون ذهنیات همه این ۷-۸ میلیارد آدم روی زمین با هم متفاوت است، تفسیر آنان نیز قطعاً با هم متفاوت خواهد بود. و بدتر آنکه پارادایم پست‌مدرن هیچ‌کدام از این خرده‌روایت‌ها را بر دیگری ارجح نمی‌داند. مثلاً در یک پدیده اجتماعی، همانند همین قتل #طلبه_همدانی هیچ تفاوتی میان تفسیر یک فرد کم‌سواد فاقد اطلاعات اولیه، با یک متخصص مسائل اجتماعی که تمام داده‌های مرتبط با موضوع را بررسی کرده نیست. جدا عرض می‌کنم، نخندید! هیچ تفاوتی میان این دو روایت نیست. هیچ‌کدام بر دیگری برتری ذاتی ندارد. اما آن روایتی که بتواند افکار «توده‌های اجتماعی» را با خود همراه کند، بر دیگر روایت‌ها برتری می‌یابد؛ که

نباید به خاطر مسائل لوکسی همانند پیشرفت علم، از سطح رفاه مردم زده شود که! فلذا بودجه واحد تحقیقات و توسعه کم می‌شود. یا به شکل دیگری؛ فرض کنید یک جناح سیاسی به دلایل مختلف از جمله وابستگی به خارج، با پیشرفت علمی کشور مخالف است. این جناح دست به تولید روایت‌هایی می‌زند که «چرا باید چرخ را دوباره اختراع کنیم؟» و به این شکل تلاش می‌کند تا با همراه کردن مردم با خود راه توسعه و پیشرفت علمی را سد کند. در واقع با استفاده از ظرفیت‌های دموکراسی، ریشه حیات یک ملت را می‌زند.

البته این برتری می‌تواند در گذر زمان - از یک روز تا چند قرن بعد - به چالش کشیده شود و روایت دیگری به جای آن بنشیند. می‌بینید؟ در اینجا ملاک برتری، نه کشف حقیقت، بلکه همراه کردن توده‌های مردم است. روایتی که بهتر روایت شود، یعنی از واژگانی استفاده کند که برای عامه مردم قابل فهم‌تر باشد و مهم‌تر از آن، رسانه‌های بیشتری در اختیار داشته باشد و بیشتر «لایک» بگیرد، می‌شود «روایت برتر»! در واقع «انتخاب مردم» که به جای صندوق رای، در قامت لایک و فیو، یا استوری و ریوتوئیت (در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و توییتر) یا مثلاً فوروارد در شبکه‌هایی همانند تلگرام ظاهر شده است، یک روایت را به عنوان روایت برگزیده و بازنمایی از آنچه که هست انتخاب می‌کند. در عالم عالمان نیز همین است. ممکن است یک نظریه بسیار دقیق باشد؛ ولی

تغییر پیدا کند. پس اینجا هم ما با نوعی از علم دموکراتیزه شده طرفیم. که البته قبول داریم؛ نسبت به مورد قبلی، سطح کمتری از دموکراتیزاسیون را شاهدیم. البته حتی در تحقیقات پوزیتیویستی هم این امر صادق است. بسیاری از تحقیقات علوم اجتماعی پوزیتیویستی هم بر اساس پرسشنامه و امتیاز به مفروضات مسئله پیش می‌روند که در آنها هم - گرچه مدعی کاشفیت از حقیقت‌اند - سطح بالایی از دموکراتیزه شدن قابل رویت است.

۳- زاویه سوم هم به بحث رابطه مردم-سیاسیون و بودجه‌ریزی برمی‌گردد. بالاخره سیاسیون از مردم رای می‌خواهند و باید دل آنان را به دست آورند. و این مورد قطعاً در نوع تخصیص بودجه به پژوهش‌های علمی تأثیرات فراوان دارد. مثلاً در شرایط ریاضت اقتصادی، معمولاً بخش‌های تحقیقات و توسعه سازمان‌ها در اولویت کاهش بودجه هستند. در اینجا دموکراسی جلوی پیشرفت علم را می‌گیرد، چرا که سیاسیون رای می‌خواهند و مردم بنده شکم هستند. نباید به خاطر مسائل لوکسی همانند پیشرفت علم، از سطح رفاه مردم زده شود که! فلذا بودجه واحد تحقیقات و توسعه کم می‌شود. یا به شکل دیگری؛ فرض کنید یک جناح سیاسی به دلایل مختلف از جمله وابستگی به خارج، با پیشرفت علمی کشور مخالف است. این جناح دست به تولید روایت‌هایی می‌زند که «چرا باید چرخ را دوباره اختراع کنیم؟» و به این شکل تلاش می‌کند تا با همراه کردن مردم با خود راه توسعه و پیشرفت علمی را سد کند. در واقع با استفاده از ظرفیت‌های دموکراسی، ریشه حیات یک ملت را می‌زند.

البته این موارد هم قابلیت توسعه دارند، یعنی با جزئیات و به صورت انضمامی مطرح شوند و هم آنکه بر تعدادشان افزوده شود. ولی خب غرض از این متن صرفاً بیان این نکته بود که علم امروزی و بالاخص علم اجتماعی امروزی، خیلی هم «علم» به آن معنا نیست. البته قطعاً منظورم این نیست که نباید به سراغ علم برویم؛ ولی این را هم بدانیم که علم امروزی بیشتر از آن که کاشف حقیقت باشد، واضع حقیقت است، یا حداقل سعی می‌کند که حقیقت را بسازد. اما این علم، متوهمانه در این اندیشه است که ساخت حقیقت لایتناهی است. در حالیکه قطعاً قدرت انسان در ساخت حقیقت محدود است؛ که همین مورد خود جای بررسی بسیار دارد. شاید در متنی دیگر به آن پرداختیم.

چون از فرد نه چندان معروفی سر زده، مورد استقبال واقع نشود؛ شرحی بر آن زده نشود، مورد نقد قرار نگیرد؛ و به این سان، به کناری رود؛ و به جایش، آن نظریه‌ای که از نظر قدرت استدلال بسیار ضعیف‌تر بوده، چون معروف گشته، به عنوان علم تدریس شود. در میان مردمان، لایک و فیو، و در میان اندیشمندان، شرح و نقد، به یک نظریه برای معروف شدن پروبال می‌دهند تا به عنوان «علم» و گاهی «علم مطلق» به دنیا معرفی شود.

۲- این مسئله را از یک زاویه دیگر نیز می‌توان مورد کنکاش قرار داد. روش‌های تحقیق در پارادایم‌های تفسیری معمولاً مبتنی بر مصاحبه‌اند. البته پژوهشگر با متخصصین امر مصاحبه می‌کند. ولی قطعاً یکی از ملاک‌های برتری میان گزاره‌های کدگذاری شده در مصاحبه به کمیت آن کد برمی‌گردد. یعنی چه؟ یعنی معمولاً در میان کدهای مختلف، آن کد و گزاره‌ای که به عنوان مبدا تفسیر انتخاب می‌شود که کمیت بیشتری داشته باشد. یعنی متخصصان بیشتری به آن کد اشاره کرده باشند. حالا مگر حرف متخصصان وحی منزل است؟ خیر! متخصصان افرادی زمان‌مند و مکان‌مند هستند؛ یعنی در ظرف مکان و بر حسب شرایط زمان نظرشان را ابزار می‌کنند. و این یعنی آنها نه بر اساس «حقیقت خارج از ذهن» بلکه بر اساس امتزاج ذهنیات خود با موضوع، به کدها و گزاره‌ها امتیاز می‌دهند. این احتمال بسیار بالاست که یک متخصص، اگر در شرایط زمانی و مکانی دیگری قرار بگیرد، به کدها و گزاره‌ها به شکل دیگری امتیاز دهد. و این یعنی دال مرکزی یک تحقیق صرفاً به خاطر سلیقه متخصصین می‌تواند

اثر وضعی قطع صله ارحام

استاد فاطمی نیا فرمودند:

یکی از علما - که از دنیا رفته است - از یکی از صلحا برایم تعریف می کرد که: یک نفر گفته بود:

من در قسمت بایگانی اداره‌های کار می کردم و پرونده‌های متعدد و بعضا بسیار مهم می آمد و ما در قسمت بایگانی قرار می دادیم.

یک روز پرونده بسیار مهمی به دستم

رسید

چند روزی که گذشت متوجه شدم آن پرونده گم شده است. هر چه گشتم پیدا نشد

در آن گیر و دار که کاملاً ناامید شده بودم، به بنده خبر دادند: چون شما مسئول پرونده‌ها هستید اگر تا چند روز دیگر پیدا نشود، حکمی که در آن مورد، برای شما

اجرا می شود یا اعدام است یا حبس ابد! از این رو نزد یک نفر اهل دل رفتیم، ایشان دستور ختمی فرمودند که انجام بدهم.

همان توسل را انجام دادم.

روزی که قرار بود نتیجه بگیریم از پرونده خبری نبود با ناراحتی از منزل بیرون آمدم تا نزدیکی خیابان مولوی رفتیم. دیدم پیرمردی جلو آمد و گفت: آقا! مشکل توبه دست آن شخص - که عرق چین به سر دارد و در حال رفتن است - حل می شود. بدون توجه به این شخص با شنیدن این کلمات دویدم و دامن آقا را گرفتم و گفتم: آقا جان! به دادم برس، گفته اند مشکلم به دست شما حل می شود.

پیرمرد نگاهی به من کرد و گفت: خجالت نمی کشی؟

حالتی بهت زده و متعجب داشتم.

ایشان فرمودند: چهار سال است شوهر خواهرت از دنیا رفته، یک مرتبه هم به خواهرت و بچه‌هایش سر زده‌ای، انتظار داری کارت هم پیچ نخورد؟!

تا نرو و رضایت آنها را جلب نکنی، مشکلات حل نمی شود.

بعد از شنیدن صحبت پیرمرد بلافاصله به منزل خواهرم رفتم.

وقتی در زدم، خواهرم به همراه چند فرزند رنجورش در را باز کرد، متوجه شد من هستم، گفت: چطور است بعد از چهار سال آمده‌ای؟!

گفتم: خواهر! از من راضی شو. بچه‌هایت را از من راضی کن. بعداً برای تعریف می کنم، غلط کردم.

آن گاه رفتم مقداری هدیه گرفتم و آوردم و آنها را راضی کردم. فردا که به اداره برگشتم، به من خبر دادند که پرونده پیدا شده است.

این پیرمرد عرق چین به سر، کسی نبود جز عارف بزرگ مرحوم شیخ رجبعلی خیاط.

منبع: کتاب هزار و یک حکایت اخلاقی

چریک عارف



در بحبوحه جنگ بود که گروهی از رزمندگان، به گرد مصطفی جمع شده و با آموزش و سازماندهی او، ستاد جنگ‌های نامنظم در اهواز تشکیل گردید. ایجاد واحد مهندسی برای ستاد، ساخت جاده‌های نظامی، نصب پمپ‌های آب در کنار رود کارون و احداث کانال و اقدام جهت هماهنگی بین ارتش، سپاه و نیروهای داوطلب مردمی، بخشی از خدمات نظامی وی است. این اقدامات در سوسنگرد منجر به مقاومت مردمی شد که نبرد تن به تن چمران با کماندوها و تانک‌های ارتش عراق بخش حماسی و افسانه‌ای آن بود. پس از این نبرد که با مجروح شدن چمران همراه بود، به اهواز منتقل شد؛ اما در بستر بیماری نیز حاضر به رها نمودن جبهه‌ها نبود و در کنار فرماندهان نظامی چون تیمسار فلاحی و شهید کلاهدوز، جلسه مشورتی نظامی را تشکیل داد. او در ایام بیماری طرح‌های سازنده‌ای در زمینه‌های نظامی، مهندسی و حتی فرهنگی ارائه می داد و در علمیات نظامی شهر هویزه نیز شرکت نمود. پس از بهبودی کامل به دیدار امام شتافت و از سکون و عدم تحرک در جبهه‌ها گلایه کرد. چمران از طراحان بازپس‌گیری شهر بستان بود و در نبرد دهلاویه که اولین پیروزی پس از عزل بنی صدر از فرماندهی کل قوا بود، فرماندهی عملیات را بر عهده داشت. او فردای پس از شرکت در جلسه شورای عالی دفاع به جبهه‌ها اعزام شد و در ۳۱ خرداد ماه بر اثر اصابت گلوله‌های آتش به شهادت رسید. بدین ترتیب فردی که به طور همزمان فیزیکدان، استراتژیست نظامی، عارف و سیاستمداری وارسته بود رخت، از جهان بست تا دفتر خدمات خویش را به دین و میهن تمام کند.

او به عنوان معاون نخست‌وزیر در امور انقلاب به کردستان رهسپار می شود. تا شهرها را از خطر سقوط نجات بخشد. چنانکه با چند پاسدار و پیش‌مرگ گرد شهر پاوه را تا سحرگاه حفظ می کند تا فرمان امام خمینی مبنی بر اعزام ارتش و نیروهای نظامی به این شهر صادر گردد. چمران شیوه‌های جنگی نامنظمی در این مناطق اتخاذ می کند که در عرض ۱۵ روز شهرها، راه‌ها و مواضع استراتژیک کردستان به تصرف نیروهای انقلاب درمی آید. به دلیل همین پیروزی‌ها از طرف رهبر انقلاب مفتخر به انتصاب به عنوان وزیر دفاع می گردد و در اولین دور انتخابات مجلس، از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب می شود. سپس به نمایندگی رهبر انقلاب در شورای عالی دفاع منصوب شده و مأموریت می یابد تا بطور مرتب عملیات‌های ارتش را گزارش کند.

چمران در مبارزات سیاسی دوران دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت شرکت داشت و بعد از کودتای ۲۸ مرداد به نهضت مقاومت ملی ایران پیوست. این نهضت را مهدی بازرگان و آیت‌الله طالقانی سازماندهی می کردند و مصطفی از همان ۱۵ سالگی در درس تفسیر قرآن آیت‌الله شرکت می جست. وی پس از مهاجرت به آمریکا، با همکاری یارانش، انجمن اسلامی دانشجویان را پایه‌ریزی کرد و از مؤسسان انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و از فعالین انجمن دانشجویان ایرانی در امریکا به شمار می رفت. به دلیل چنین فعالیت‌هایی بود که بورس تحصیلی ممتازی وی از سوی رژیم پهلوی قطع شد. او پس از سرکوب ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به خاورمیانه بازگشت تا نزد نظامیان مصری و سازمان امل (گروه چریکی شیعیان جنوب لبنان) آموزش نظامی ببیند. این دوره هم‌زمان با مبارزات ضدامپریالیستی جمال عبدالناصر در مصر بود که نیروهای انقلابی خاورمیانه را برای مقابله با اسرائیل و غرب سازمان می داد. چمران ضمن گفتگوهایی که با ناصر داشت، به او یادآور می شود که علاوه بر ملی‌گرایی عربی بر عنصر اسلامی نیز تکیه کند تا بتواند تمام جریان‌های آزادی‌خواه در منطقه را با خویش همراه کند.

از این زمان مصطفی، چریکی مسلمان است و به همراهی امام موسی صدر حرکت محرومین لبنان را پایه‌گذاری می کند و در مقابل راستگرایان فالانژ مسیحی می ایستد. در نهایت پس از پیروزی انقلاب به وطن بازمی گردد تا در تربیت اولین گروه‌های پاسداران انقلاب در تهران نقش آفرینی



هادی طلویی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس

چشمه در گفتگو با دکتر مصطفی قادری حاجت

مهمترین دلیل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ژئوپلیتیکی هست



می توان به تکنیک های آماری و نرم افزاری اشاره کرد، مسئله دیگر داشتن توانمندی در خصوص زبان انگلیسی است.

*** علی رغم تبلیغات گسترده، برداشت ژئوپلیتیکی از منافع ملی، نقش اثرگذاری در تصمیم سازی های ملی و منطقه ای داشته است. به نظر شما چرا بعضی تحلیل ها به مبنای ژئوپلیتیکی تصمیمات کمتری می پردازند؟**

مهمترین دلیل را می توان در فقدان علم و درک ژئوپلیتیکی دانست، ژئوپلیتیک با یک مبنای واقع گرایانه نیازمند تحلیل و تفکر عمیق روندها و فرآیندها تولیدکننده فرم های ژئوپلیتیکی است. متأسفانه اغلب به روندها و فرآیندها توجه نمی شود و بیشتر فرمها مورد توجه واقع می شوند که نتیجه این امر هم به رخداد شناسی و واقعه شناسی منجر می شود.

*** چنانچه از دریچه جغرافیای سیاسی به مسائل منطقه ای و بین المللی نگاه کنیم، دلیل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی و حضور دائمی در منطقه را در چه می دانید؟ دلایل آن ژئوپلیتیکی است یا سیاسی؟**

قبل از جمهوری اسلامی هم آمریکا در خاورمیانه حضور داشته است در واقع با خروج بریتانیا از شرق سوئز در سال ۱۹۷۱ آمریکا به عنوان یک نیروی دریایی تازه نفس جایگزین آن شد، خاورمیانه به دلایل سنتی (نفت، وجود اسرائیل و بازار پر رونق سلاح) مورد توجه آمریکا واقع شده بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به عنوان یکی از ستون های سیاست مهابت آمریکا از بازی مورد نظر آمریکا خارج و ضمن رد مبنای آن به عنوان دشمن و خصم آن نیز مطرح شد. وقتی با این رویکرد به مسئله نگاه داشته باشیم مهمترین دلیل دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران ژئوپلیتیکی هست، در واقع معادله قدرت در خاورمیانه با پیروزی انقلاب اسلامی کاملاً به هم خورد و هزینه های آمریکا برای حفظ و گسترش منافعش در این حوزه را افزایش داد. واقعیت این است که ایران تجربه زیستی تمدنی داشته است. علاوه بر موارد فوق حقایق ذیل بخشی از واقعیت های ژئوپلیتیکی ایران است:

- به لحاظ موقعیت ارتباطی، ایران نقطه اتصال شمال و جنوب و همچنین شرق و غرب است که در طول تاریخ، مورد توجه جهان گشایان و ابرقدرت ها بوده و در حال حاضر نیز ایران همچنان از موقعیت ارتباطی متصل کننده قاره های آسیا و اروپا و نیز آفریقا و آسیا برخوردار است.

- به لحاظ موقعیت دریایی، مرزها و سواحل طولانی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، این کشور را به آب های آزاد و اقیانوس هند متصل می کند. ایران در دو پهنه دریایی شمالی و جنوبی دارای سواحل به طول ۲۴۴۰ کیلومتر می باشد. - امروزه کانون اصلی ژئواستراتژیک جهان، منطقه «بیضی انرژی استراتژیک» است که حدود ۷۰ درصد ذخایر نفتی و ۶۵ درصد ذخایر تثبیت شده گاز طبیعی جهان را

کانونی در جغرافیای سیاسی سامان دهی و مدیریت است، مدیریت در این زمینه، مدیریت بهینه سیاسی کشور را می رساند، کشورداری بهینه، یعنی اینکه چگونه کشور یا فضا را اداره کنیم، و ساماندهی بیشتر در راستای به سامان شدن امور کشور است که فضای ملی در تمام سطوح به بهره روری های حداکثری برسد. با توجه به نقش محوری قدرت در مطالعات جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیکی کار بست متفاوت آن در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک می تواند منجر به تفاوت موضوعات و محورهای مطالعاتی آنها شود. در ژئوپلیتیک قدرت پیشرانه رقابت و در جغرافیای سیاسی قدرت پیشرانه ساماندهی است.

*** وضعیت بازار کار فارغ التحصیلان رشته جغرافیای سیاسی چگونه است؟ برای موفقیت در این رشته چه الزاماتی نیاز است؟**

متأسفانه بازار کار رشته جغرافیای سیاسی با وجود پتانسیل بالای فارغ التحصیلان رشته چندان تعریفی ندارد که این امر ناشی فرآیندهای ساختاری مانند طرح طبقه بندی مشاغل در دستگاه های اجرایی و ناشناخته بودن ظرفیت های جغرافیای سیاسی نزد سیستم دولتی است. با وجود این اکثر فارغ التحصیلان رشته جغرافیای سیاسی قابلیت استخدام در مراکز و ارگان هایی از قبیل وزارت خارجه، وزارت کشور، شهرداری ها، ارگان های نظامی و امنیتی، استانداری ها، بخشدارهای، فرمانداری ها و آموزش و پرورش را دارند. لازم است کسانی که این رشته را برای ادامه تحصیل انتخاب می کنند علاقمند و به نوعی عاشق این رشته باشند. توانمندی های علمی پایه ای، قدرت درک مسائل و ارائه راهکار از مهمترین پیش نیازهای موفقیت در مطالعات جغرافیای سیاسی است. در رابطه با سایر الزامات،

وجود ندارد، بلکه همه علوم اجتماعی که با کارهای جامعه سازمان یافته بشری سروکار دارند علوم سیاسی خوانده می شود و علم سیاست تنها یکی از این علوم است. با وجود توسعه روزافزون تخصصی تر شدن علوم، علوم سیاسی نیز از مطالعات دیگر علوم اجتماعی بهره برده و با تمام آنها هم پوشانی دارد. به نظر این جانب در واقع علوم سیاسی به بررسی اندیشه ها و نظریه های سیاسی و کارکرد آنها در عرصه جامعه می پردازد. به نظر می رسد فضا و بعد سیاسی آن عرصه پیوند دهنده علوم سیاسی و جغرافیا است. بعد سیاسی فضا در مطالعات جغرافیای سیاسی مورد مطالعه قرار می گیرد یعنی بعدی از فضا که ماهیت، کارکرد و محتوای سیاسی دارد. لازم به ذکر است که در جغرافیای سیاسی فضا متأثر از سیاست هست و بر سیاست تأثیر می گذارد در واقع جغرافیای سیاسی پیوند بین فضا و سیاست مکانیسم های ناشی از آن را مورد توجه قرار می دهد.

*** در مواردی مفاهیم جغرافیایی سیاسی و ژئوپلیتیک به جای یکدیگر به کار برده می شود. در مقابل برخی هم این همانی را صحیح نمی دانند. کدام نظر دقیق تر است؟**

به صورت عام تعریف دقیق وجود ندارد مهم این است که از تعریف مورد نظر چه بخواهیم، وقتی از ژئوپلیتیک صحبت می کنیم، باید توجه داشته باشیم قدرت و ابعاد فضایی آن، کانون محوری مباحث قلمداد می شوند از مقیاس خرد تا کلان. ژئوپلیتیک در واقع مکانیسم ها و پویایی های ناشی از قدرت را در فضا بررسی می کند، وقتی از فضا و قدرت صحبت می کنیم یعنی تفکر ژئوپلیتیکی، در واقع سه عنصر قدرت، فضا و رقابت پویایی های ژئوپلیتیکی را می رسانند. به نظر این جانب به عنوان دانشجوی جغرافیای سیاسی به لحاظ موضوعی و کارکردی گسترده تر از ژئوپلیتیک می باشد. موضوع

دولت آمریکا از ابتدای انقلاب اسلامی تلاش کرده است در حوزه های داخلی و منطقه ای و بین المللی با جمهوری اسلامی ایران دشمنی کند. این دشمنی که به علت ماهیت و اهداف انقلاب اسلامی بوده است در سطح گفتگمانی و ایدئولوژیک، سطح منطقه ای و سیاست خارجی و نیز تأثیر بر فضای داخلی ایران دنبال شده است. ابزار این دشمنی ها عمدتاً از طریق پرونده های هسته ای، حقوق بشر، تروریسم و فعالیت های منطقه ای ایران پیگیری شده است. برای واکاوی موضوع و تحلیل آن از

منظر مطالعات ژئوپلیتیکی به سراغ دکتر مصطفی قادری حاجت عضو هیأت علمی گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه رفتیم که طرح های تحقیقاتی مختلفی را در خصوص سیاست های خصمانه آمریکا نسبت به جمهوری اسلامی ایران کار کرده اند و چندی پیش نیز سخنران نشست هم اندیشی استادان دانشگاه تربیت مدرس با موضوع «راهبرد دولت ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران (علل، اقدامات و پیامدها)» بودند. لازم به ذکر است ایشان مقالات تخصصی متعددی را نیز در حوزه تخصصی خود یعنی عدالت فضایی در مجلات و ژورنال های داخلی و بین المللی داشته اند.

*** برای آشنایی مخاطبین، مختصری از خودتان بفرمایید؟**

قبل از هر چیز آرزوی قبولی طاعات و عبادات همه عزیزان در درگاه احدیت را داشته و از اینکه به بنده این فرصت را دادید که در خدمت شما بزرگواران باشم کمال تشکر را دارم. این جانب مصطفی قادری حاجت متولد ۱۳۶۱، شهرستان اسداباد، استان همدان می باشم. دارنده مدرک کارشناسی رشته جغرافیا و برنامه ریزی روستایی از دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق)، کارشناسی ارشد و دکتری جغرافیای سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس می باشم. از مهرماه سال ۱۳۹۴ تاکنون افتخار همکاری به عنوان استاد مدعو و هیئت علمی پیمانی با گروه جغرافیای سیاسی را دارم.

*** جغرافیا و سیاست، هر دو عناوین حوزه های علمی مجزایی هستند. جغرافیای سیاسی چه نسبتی با آن دو دارد؟ تمایزات آن چیست؟**

اگرچه جغرافیا و سیاست به عنوان دو حوزه علمی مجزا قلمداد می شوند ولی جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از گرایش های رشته اصلی جغرافیا به حساب می آید. در ارتباط با جغرافیا می توان گفت که علم مطالعه فضا و قانونمندی های حاکم بر آن که هم ماهیت توصیفی و نظری دارد و هم ماهیت کاربردی. وجه توصیفی آن ناظر بر فضاشناسی و وجه کاربردی آن ناظر بر فضا سازی است. برخی پژوهشگران اعتقاد دارند علم سیاست به صورت مجزا

نبض زمین در دستان ماست



این سوال به ذهن خیلی‌ها خطور کرده که به عنوان عضو کوچکی از جامعه جهانی چه قدم مؤثری برای حفاظت محیط زیست و مراقبت از زمین، می‌توانیم برداریم؟! در ابتدا شاید به نظر برسد که یک تنه نمی‌توانیم باری از دوش زمین برداریم اما این طور نیست. هر انسان به عنوان جزئی از هفت میلیارد انسان روی زمین، می‌تواند کارهای مؤثری برای حفاظت محیط زیست انجام بدهد، فقط کافی است تصمیم بگیریم که هر روز برای کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای، جلوگیری از

غایت نیست؛ راه است.

انسان جزئی از طبیعت و وابسته به آن است. بقا و کمال انسان وابسته به مدارا و مهرورزی با طبیعت است. از این رو نمی‌تواند نسبت به طبیعت غیرمسئولانه رفتار کند. چرا که آلودگی محیط زیست بر کیفیت و چرخه طبیعی اثر می‌گذارد و پی‌آمدهای زیان‌باری برای زندگی انسان، حیوان، گیاه و بناها دارد. در جهان امروز، مسئله آلودگی، یکی از مهم‌ترین و حادث‌ترین مشکلات تمدن انسانی است و نقش انسان در آلودگی محیط زیست بسیار چشمگیر است. طبیعت، برای بقای نسل بشر آفریده شده است و پیوندی ناگسستنی میان انسان و طبیعت وجود دارد.

مهسا ستوده

دانشجوی دکتری مهندسی پزشکی
دانشگاه تربیت مدرس

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است، که ادامه حیات به آن وابسته است. از نگاه الهی، طبیعت دارای شعور و آگاهی است و حاصل طرح الهی و تحت تدبیر خداوند است. تمام ذرات طبیعت تسبیح‌گوی حضرت حق هستند؛ «يَسْبُحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (التغابن/۱۳) طبیعت از آن جهت که جلوه گاه جمال و کمال الهی است، مقدس است. طبیعت امانت خداوند است و ما در قبال این امانت مسئولیم و باید پاس‌خگو باشیم؛ «ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (التكاثر/۸) طبیعت مقصد و

قهرمانان کوچک



مهديه محمدناني

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت
ورزشی دانشگاه تربیت مدرس

تا حالا فکر کردید قهرمانان زندگی تان چه کسانی هستند؟
یا قهرمان خانوادتان؟
قهرمان فامیلتان؟
قهرمان شهرتان؟
قهرمان ایران‌مان چطور؟
پدران‌مان هستند؟ یا مادران‌مان؟
برادر خواهر؟ دخترم پسرم؟ مسئولان کشورمان؟ وزیر کشور؟ یا چه می‌دانم نماینده شهرمان؟ و...

داور مسابقات دو میدانی «بچه‌های کار» بودم پشت سرهم می‌دویدند، خواستم تشویق‌شان کنم ولی تا به چشم‌هایشان نگاه کردم... دروغ چرا خجالت کشیدم... با خود گفتم به راستی این «بزرگان کوچک» نیاز به تشویق من دارند؟ یا من به تشویق آنها؟
بیا بید ساده از کنارشان نگذریم! ارزش چند لحظه تأمل کردن را دارند!
از کجا شروع کنیم به تأمل کردن! از کفش‌های کهنه‌شان؟ لباس‌های تار و پود بهم ریخته‌شان؟! از دستان آغشته به سیاهی‌شان!؟

یا نه... از چشم‌های نگران‌شان؟! یا ... غرور پر غرورشان؟! یا... مسئولیت سنگین روی دوش‌شان؟! یا

دل پر دردشان -

احسان نام کودکی زیر همین آسمان است که با من و شما نفس می‌کشد، پدرش مریض است. برای برنده مسابقه - دو- مبلغی جایزه گذاشته بودند، احسان کفشی برای دویدن نداشت پا برهنه چندین کیلومتر را دوید تا بتواند پولش را برای درمان پدرش خرج کند.

خیلی شنیده‌ایم می‌گویند «حرکات اندازه قند نیست»... آری احسان جان مردانگی‌ات خیلی فراتر از اندازه‌ات می‌باشد. بیا بید بگردیم احسان‌ها در اطرافیان‌مان بی‌شمارند... در خیابان‌ها پشت چراغ قرمز، در مترو، داخل اتوبوس و...

به نظرتان دنیای آنها چه رنگی است؟ آبی؟ سفید؟ رنگارنگ؟ یا مشکی؟
به نظرتان بزرگترین آرزوی آنها چیست؟ داشتن کیف مدرسه؟ مداد رنگی؟ واقعا نمی‌دانم...

به نظرتان آنها به بعضی‌ها می‌نگرند چه فکر می‌کنند؟ حسرت می‌خورند؟ پوزخند می‌زنند؟ یا ته دلشان... خوش به حالتون را زمزمه می‌کنند؟

من نمی‌دانم به شما «بزرگان کوچک» چه بگویم... ولی ساده بگویم...

..... دمتان گرم.....



توحيد شیرعلیور
کارمند آموزش کارآفرینی
دانشگاه تربیت مدرس

نقش جامعه در ترویج کارآفرینی



امروزه کارآفرینی به عنوان عنصری حیات آفرین و تحول بخش و نیز عامل تغییر در تجدید ساختار جوامع شناخته شده تا در سازگاری و تعامل با تحولات عمیق و شتابان عصر شکفت‌آور اطلاعات و ارتباطات، در راه ارتقا و رشد جهشی شاخص‌های توسعه‌ای ملت‌ها در جایگاه عامل رقابتی نقش بارز و ارزنده‌ای را ایفا کند.

با مطالعه ویژگی‌های شخصیتی و سنجش رفتاری کارآفرینان به بسیاری از عناصر تعالی آفرین همچون: توفیق طلبی، سخت‌کوشی، همت والا، اراده قوی، مسئولیت‌پذیری و تعهد در قبال جامعه، آینده‌نگری، برخورداری از روح متعالی، شیفتگی نسبت به کار و تلاش، ایثار و فداکاری و بسیاری از شایستگی‌های دیگر می‌رسیم. اینها لازمه بقا و دوام اجتماعات بشری بوده که تقدیم جامعه می‌کنند و توقع پاداش ندارند. همچنین از طریق خلاقیت، نوآوری، شناسایی فرصت‌های ارزشمند محیطی و از راه خلق ارزش، فواید بی‌شماری را عاید انسان‌های نیازمند و جوامع بشری می‌کنند.

افراد و گروه‌های موجود در جامعه در کلیه سطوح از جمله خانواده گرفته که بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و هسته اصلی جامعه تلقی می‌شود تا نهادهای آموزشی، پژوهشی و پرورشی و سازمان‌هایی که به هر نحوی می‌توانند زمینه‌ساز حرکت، جوشش و خیزش فعالیت‌های کارآفرینانه باشند. در این راه تلاش کنند و آنان را در راه تحقق آرمان‌ها و اهداف عالی‌شان یاری کنند. چرا که آنان نیازمند هستند تا از سوی جامعه و هم‌نوعان خود مورد پذیرش قرار بگیرند، جامعه امکانات و منابع لازم را در اختیارشان قرار می‌دهد تا موانع و محدودیت‌های احتمالی را از پیش روی آنها بردارد و از نظر روحی و روانی مشوق آنها باشد. حاصل این تعامل، همفکری و هم‌افزایی به صورت دستاوردهای بی‌بدیل کارآفرینانه سرانجام به خود جامعه برمی‌گردد.

بنابراین مسئولیت جامعه در قبال زحمات و تلاش‌های کارآفرینانه به شرح ذیل می‌باشد:

۱- پذیرش و درک کارآفرینان به عنوان عامل پیشرفت، توسعه و تحول جامعه که جز سعادت و شکوفایی هم‌نوعان خود، سودایی در سر نمی‌پروراند. این باعث می‌شود آنان خود را منفرد و از اجتماع ندانسته و برای خود پایگاه و جایگاهی در بین آحاد جامعه تصور کنند و دل به کار دهند.

۲- قدردانی و سپاسگزاری جامعه و

نهادهای مدنی از زحمات و تلاش‌های خلاقانه کارآفرینان بر همگان فرض بوده و جامعه باید به آنها را مانند افراد موثر تلاشگر و ارزشی احترام گذاشته و به خدمات آنها پاداشی در خور و فاخر بدهد. این باعث می‌شود آنها از کارکردهای خود احساس رضایت کرده و سعی کنند دامنه فعالیت‌هایشان را گسترش بدهند.

۳- حمایت‌های روحی، معنوی، و فکری از افراد کارآفرین: به جهت اینکه کارآفرینان در فعالیت‌های نوآورانه و مخاطره‌آمیز وارد می‌شوند و در معرض ریسک‌های مالی هستند از جهت روحی و روانی نیز به شدت آسیب‌پذیر بوده و ممکن است متحمل صدمات و ضربات جبران‌ناپذیر شوند.

از این رو جامعه به دلیل روح لطیف و روان ظریف کارآفرینان باید در لحظات سخت کار و تلاش و گاه حادثه، حمایت‌های روحی و معنوی لازم را داشته باشند. در همین راستا جامعه باید اجازه اشتباه کردن، لغزش، خطا و شکست را جزئی از فرآیند کارآفرینی بداند و از هر گونه شماتت، ارزیابی و قضاوت در این مورد خودداری

افراد و گروه‌های موجود در جامعه در کلیه سطوح از جمله خانواده گرفته که بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و هسته اصلی جامعه تلقی می‌شود تا نهادهای آموزشی، پژوهشی و پرورشی و سازمان‌هایی که به هر نحوی می‌توانند زمینه‌ساز حرکت، جوشش و خیزش فعالیت‌های کارآفرینانه باشند. در این راه تلاش کنند و آنان را در راه تحقق آرمان‌ها و اهداف عالی‌شان یاری کنند. چرا که آنان نیازمند هستند تا از سوی جامعه و هم‌نوعان خود مورد پذیرش قرار بگیرند.

عظیم کارآفرینی و استقرار «نهضت ملی کارآفرینی» در جامعه ایرانی تلقی شود. در این میان نقش بسیار ارزنده دانشگاه کارآفرین مانند دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشگاه کارآفرین می‌تواند بسی راهگشا و مهم پنداشته شود.

۸- در پایان باید گفت، اساس فرایند کارآفرینانه حول محور جامعه کارآفرین، دولت کارآفرین، نهادهای مدنی کارآفرین، و به ویژه دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و تحقیقاتی کارآفرین می‌باشد. تنها در کنار حمایت‌های آنها و تعامل با کارآفرینان فعالیت کارآفرینان قابل پیگیری و انجام می‌باشد. که در این راستا دانشگاه تربیت مدرس به عنوان دانشگاه کارآفرین راه گشا و ادامه‌دهنده در جهت ترویج و فرهنگ‌سازی جامعه کارآفرین شناخته می‌شود.

بچه ای قرآن

سیاسی نیستم



ایمان کودری

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت و اقتصاد مدنی دانشگاه تربیت مدرس

گفت: نظرت درباره‌ی حرف‌های رئیس جمهور آمریکا چیه؟
گفتم: بی‌خیال، من درسم رو بخونم و دین خودم رو حفظ کنم هنر کردم!
گفت: پس توی کدوم جبهه‌ای؟
گفتم: من آدم سیاسی نیستم!
گفت: مگه آیه قرآن رو نشنیدی؟
می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا
کسانی که ایمان دارند، در راه خدا پیکار می‌کنند. و آنها که کافرند، در راه طاغوت جنگ می‌کنند. پس با یاران شیطان، بجنگید! قطعاً نقشه شیطان ضعیف است. (نساء/۷۶)

گفت: خداوند در قرآن صریحاً می‌فرماید که دو جبهه بیشتر نداریم، کسی که دین داره در راه خدا می‌جنگه، کسی هم که دین نداره در راه طاغوت می‌جنگه چه خودش متوجه بشه یا نه.

جبهه خودت رو مشخص کن، یا با این طرفی یا اون طرف! گروه سومی وجود نداره...

کرده تا آنان جرأت ادامه مسیر را پیدا کنند. ۴- حمایت‌های گسترده مادی از کارآفرینان: اکثر آنها منابع مادی لازم برای عملیاتی کردن ایده‌ها و نوآوری‌های خود را ندارند. اگر کمک‌ها و مساعدت‌های جامعه را نداشته باشند همه آن افکار و برنامه‌های مترقی در نطفه عقیم خواهد ماند. پس لازم است جامعه ایده‌ها و فرصت‌های نوآورانه‌شان را درک کرده و حمایت‌های مالی برای تأمین منابع سرمایه‌ای را از طرح‌های آنها داشته باشند.

۵- حمایت‌های نهادی و سازمانی: حمایت نهادی و بالخصوص در سه زمینه مهم آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای برای کارآفرینان مهم است. نظیر تدارک و اختصاص مراکز رشد و انکوباتورهای تجاری، ترویج و فرهنگ‌سازی فرهنگ کارآفرینی و حمایت‌های قانونی و نیز رفع موانع نهادی در پیشبرد اهداف آنها بالخصوص باید از جانب نظام دولتی و همچنین نهادهای غیردولتی اعمال شود. بنابراین وجود دولت کارآفرین و حضور حامیان پر و پا قرص برای آنها اصولاً جزو چرخه فعالیت کارآفرینی است و این موضوع به قدری حائز اهمیت است که بدون وجود آن چرخه، فعالیت کارآفرینی ناتمام و ناکامل بوده و ممکن است در بسیاری از زمینه‌ها آن فعالیت‌ها به نتیجه نرسند.

۶- ترجیح جامعه در انتخاب نهادهای و فرآورده‌های کارآفرینان در تأمین نیازهای خود در مقابل وجود سایر فرآورده‌ها، تولیدات، محصولات، کالاها، و خدمات می‌تواند عامل مهمی در ارتقا و توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه به شمار آید.

۷- نقش بسیار راهبردی و حیاتی مجامع علمی و آکادمیک به عنوان مغز متفکر و چشم بینای جامعه، پیوندگاه علم و صنعت می‌تواند نقش بی‌مانندی در ایجاد موج



گذری بر زندگی دکتر علی شریعتی



از کودکی تا جوانی

علی شریعتی در ۲ آذر ماه سال ۱۳۱۲ در خانواده محمد تقی شریعتی مرد دین و خدا، آموزگاری خردمند و انسانی پارسا که در روستای کاهک در کویر مزینان در نزدیکی سبزوار به دنیا آمد. پدرش به دلیل ارادت خاص به پیشوای بزرگ شیعیان، او را «علی» نام نهاد. علی شریعتی آغاز تحصیلاتش را در دبستان ابن یمین در مشهد در سال ۱۳۱۹ شروع و در سال ۱۳۲۵ وارد دبیرستان فردوسی مشهد شد. او در سال ۱۳۳۴ به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد وارد و رشته زبان و ادبیات فارسی را انتخاب کرد. سال ۱۳۳۵ مرحله خاصی در زندگی علی شریعتی آغاز می‌شود. در این سال با یکی از همکلاسان خود به نام پوران شریعت رضوی ازدواج می‌کند. علی شریعتی از آن تاریخ با بهره‌مند بودن از صمیمیت فداکاری، گذشت و جنبه‌های انسانی همسرش، دغدغه‌خاطری از بابت زندگی خانوادگی نداشت. علی شریعتی در طول مدت تحصیل در دانشکده ادبیات با علاقه‌ای خاص به کار تحقیق و پژوهش در زمینه‌های مختلف پرداخت و دست به انتشار آثاری چون، ترجمه ابودرغفاری، ترجمه نیایش اثر الکسیس کارل و یک رشته مقاله‌های تحقیقی در این زمینه همت گماشت. این همه معرف خصوصیات روحی و جهت فکری و دقت و ارزش کارهای تحقیقاتی جوانی بود که هیچ‌گاه از تفکر، خلق و آفرینش بازنیستاد.

تحصیل در دانشگاه سوربن فرانسه

علی شریعتی در سال ۱۳۳۷ پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی چون شاگرد اول شده بود، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت. علی شریعتی با آندوخته‌ای به نسبت وسیع از فرهنگ ملی و اسلامی، در حد یک انسان با تجربه و صاحب‌نظر با دنیای پرتلاطم و اقیانوس بیکران فرهنگ غرب برخورد نمود و با قدرت لازم توفیق آن یافت را تا به یاری بینش وسیع و موشکافش آنچه را که نمی‌دانست بیاموزد و بضاعت و شناخت علمی خود را در زمینه‌های مختلفی چون، جامعه‌شناسی، مبانی علم تاریخ، تاریخ و فرهنگ اسلامی و بسیاری زمینه‌های دیگر غنی سازد و با برخورداری از محضر استادانی صاحب‌مکتب و متفکرانی آزاداندیش پا از حریم تحصیلات کلاسیک دانشگاهی بیرون نهاد و قدرت اندیشه‌اش را تعالی بخشید.

دوران سکوت و زندان

در سال ۱۳۴۸ به حسینییه ارشاد دعوت

می‌شود و به زودی مسئولیت امور فرهنگی حسینییه را به عهده گرفته و به تدریس جامعه‌شناسی مذهبی، تاریخ شیعه و معارف اسلامی می‌پردازد. اما سرانجام در سال ۱۳۵۲، رژیم، حسینییه ارشاد را تعطیل می‌کند، تا دیگر مردم امیدی به شنیدن سخنان دکتر شریعتی نداشته باشند. دکتر علی شریعتی که دور از مردم بودن و در خاموشی به سر بردن برایش زجری بزرگ بود، خود را با نوشتن هر چه بیشتر مشغول داشت، ولی بداندیشان و دشمنان مردم را این همه بس نبود و سرانجام در مهر ماه سال ۱۳۵۳ به زندانش انداختند.

رفتن دکتر شریعتی به انگلستان

اسفندماه سال ۱۳۵۳، شریعتی پس از تحمل ۱۸ ماه زندان انفرادی آزاد شد ساواک او را شدیداً تحت نظر داشت و روز به روز هم حلقه این محدودیت‌ها تنگ‌تر می‌شد. یکی از شب‌ها در حال عبور از خیابان، چند نفر از دانشجویانش، او را می‌شناسند، او را در میان می‌گیرند، دکتر هم که از دیدن آنها خوشحال شده، طبق عادت دیرینه‌اش با آنها گرم گفت و گو می‌شود، مدتی بعد از هم جدا می‌شوند. پس از چند روز خبر می‌رسد که همه آن دانشجویان دستگیر شده‌اند. توانایی‌های دکتر شریعتی براساس آنچه همسرش نوشته است در روزهای خانه نشینی اجباری روز به روز کاهش می‌یافت و اعصابش سخت فرسوده‌تر می‌شد.

بنابراین تصمیم به «هجرت» می‌گیرد. به این امید که به زودی با پیوستن همسر و فرزندان به او، دوران جدیدی از زندگیش را آغاز کند و بتواند به خلق آثاری بیشتر، قوی‌تر و روشن‌تر بپردازد. دکتر علی شریعتی در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۵۶ تهران را به سوی اروپا ترک گفت. چند روز بعد خبر خروج دکتر شریعتی از کشور

حضور چهارعضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس در فهرست سرآمدان علمی کشور

بر اساس اعلام فدراسیون سرآمدان علمی کشور «دکتر علی مرسلی استاد گروه شیمی معدنی، دکتر یداله یمینی استاد گروه شیمی تجزیه، دکتر علیرضا محبوب استاد گروه شیمی تجزیه و دکتر نادر علیزاده استاد گروه شیمی معدنی دانشکده علوم پایه دانشگاه» در گروه الف فهرست سرآمدان علمی ایران در سال ۱۳۹۸ قرار گرفتند.

فدراسیون سرآمدان علمی ایران با هدف دستیابی به مرجعیت علمی، افزایش کیفیت علمی کشور و کمک به توسعه تحقیقات محققان معتبر و با حمایت و مدیریت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری از ابتدای سال ۱۳۹۴ راه‌اندازی شده است. این فدراسیون، سرآمدان علمی را سالانه از بین افراد با توانمندی پژوهشی معتبر شناسایی و آنها را در ۲ گروه الف و ب و با توجه به اعتبار علمی کسب شده توسط هر فرد حمایت می‌کند.

حمایت‌های سرآمدان علمی به صورت پژوهانه نقدی، گرنت استفاده از خدمات شبکه آزمایشگاهی فناوری‌های راهبردی و جذب پژوهشگر پسادکتری انجام می‌شود.

گفتنی است در سال ۹۸ هفتاد و پنج محقق کشور به عنوان سرآمد علمی برگزیده شدند.

طراحی و ساخت دستگاه تحریک الکتریکی مغز (tDCS) سازگار با MRI در دانشگاه تربیت مدرس

برای نخستین بار در کشور، پژوهشگران دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تربیت مدرس موفق به طراحی و ساخت دستگاه تحریک الکتریکی مغز (tDCS) سازگار با MRI شدند.

آزمایشگاه سامانه‌های شبیه ساز دانشکده برق و کامپیوتر دانشگاه تربیت مدرس به سرپرستی دکتر محمدرضا مؤمنی و دکتر محمد رستمی با توجه به نیاز کشور به تجهیزات نوین در تحقیقات علوم شناختی، برای نخستین بار در ایران موفق به طراحی و ساخت دستگاه تحریک الکتریکی مغز (tDCS) سازگار با MRI شدند.

گفتنی است با طراحی و ساخت این دستگاه در دانشگاه تربیت مدرس، ایران به عنوان چهارمین کشور در طراحی و ساخت تجهیزات نوین در تحقیقات علوم شناختی سازگار با MRI شناخته شد. پیش از این تنها ۳ کشور دارای فناوری ساخت این تجهیزات بودند.

درگذشت دکتر علی شریعتی

سرانجام در ۲۹ خرداد ۱۳۵۶ دکتر شریعتی به طرز مرموزی دیده از جهان فرو بست و چراغ پر فروغ زندگی پربارش در زمانی که می‌رفت تا از آن پس در اوج پختگی و توانائی فکری و عملی سالیان دراز به خلق آثار شگرف بپردازد و به ملت و سرزمین و فرهنگ خویش صادقانه خدمت کند، خاموش گشت و یاران وفادارش را در غم از دست دادن عزیزی چون او سوگوار ساخت.

آثار

مجموعه سخنرانی‌های گرانبهای دکتر علی شریعتی در حسینه ارشاد توسط علاقه‌مندان این اندیشمند بزرگوار در قالب کتاب‌هایی جمع آوری شده است که از جمله آن‌ها می‌توان از آثاری چون شهادت، کویر، فاطمه فاطمه است، پدر، مادر ما، متهمیم، نیایش، شیعه، حسین وارث آدم، انسان، علی (ع)، روش شناخت اسلام و بسیاری آثار ارزشمند دیگر نام برد.

منبع

<http://www.parvaresheafkar.com>

<http://namnak.com>

<https://www.parsine.com/fa/news>

بخشید استاد!؟

شادی نوری

کارشناسی ارشد بیولوژی
دانشگاه تربیت مدرس

وقتی به کفش‌هایش نگاه می‌کردم دلدم تا ته خالی می‌شد ولی وقتی به صورتش... انگار این مرد لبریز مهربانی‌ست. اصلاً انگار خدا خواسته مثلاً یکی از صفت‌هایش را هم با چشم ببینم و حظ کنم. دلش دریایی

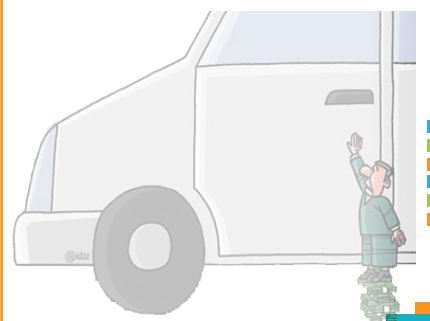
بود. از مال دنیا یک خانه اجاره‌ای داشت و یک پراید و تمام دلخوشی‌اش این بود که آخر هفته‌ها بانوی زندگی و نعمت و رحمت زندگی‌اش را سوار این سیاره کند و ببرد سیاحت و یا زیارت. محل کار هم که می‌آمد از سرویس اداره استفاده می‌کرد. وابسته به کسی و چیزی نبود ولی همه‌اش خدایی بود.

فرصت را غنیمت دانستم. بخشید استاد: اگر آدم مال و پول زیاد داشته باشد چطور زندگی کند؟ آیا این بد است که من ماشین مدل بالا سوار شوم و داخل خیابان چرخ بزنم؟ آیا بد است که من یک خانه درن دشت داشته باشم؟ آیا بد است که هر روز با یک کت و شلوار و یک مدل متفاوت به دانشگاه بیایم؟

و استاد با طمانینه‌ای غیر منتظره... نه اینها اصلاً هم بد نیست فقط طوری به خیابان بیا و در انتظار ظاهر شو که دل کسی را نبری، غم کسی را زنده نکنی. همین که رد شدی پشت سرت نگویند مرفه بی‌درد. طوری زندگی کن که برایت درد و دل کنند نه اینکه هندوانه‌های زیر بغلت را به قیمتی گزاف به خودت بفروشند مرغ بریان بخور ولی غصه دیگران را هم بخور! آن وقت می‌فهمی لذیذترین مرغ بریان‌ها چه مزه‌ای دارند!

راستی اگر امام زمان (عج) را روزی کنار خیابان ببینی سوار خواهی کرد؟ آیا ایشان سوار ماشین شما خواهند شد؟ و به میهمانی‌های خانه شما خواهند آمد؟

امروز توی تربیت مدرس چرخ می‌زد. پر بود از ماشین‌های مدل بالا که قیمت‌شان حتی سیصد میلیون تومانی هم می‌شد! راستی استاد التماس دعای سبک زندگی اسلامی



ساده بخوانید اما ساده نگذرید!

داستان ریزه

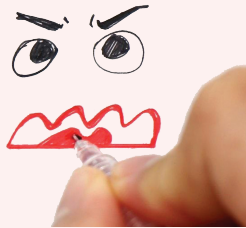


مرضیه میرزانی علی آبادی
دانشجوی کارشناسی ارشد معماری
دانشگاه تربیت مدرس



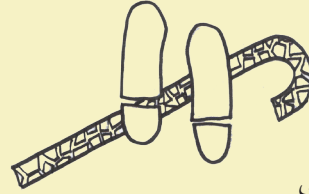
مادربزرگ

فراموشی را به خاطر سپرد و خاطرات را به فراموشی.



خیرعصبانی

با عصبانیت گفت: پدرت را در می‌آورم. و دختر نفهمید که پدرش از زندان آزاد خواهد شد یا نه.



وارونگی

پسرک آرزو داشت جای پدربزرگش بود تا همه به او احترام بگذارند. سال‌ها گذشت. او پدربزرگ شد. اما آرزو می‌کرد کاش همان پسرک دیروز بود تا این همه بی‌احترامی را تحمل نکند.



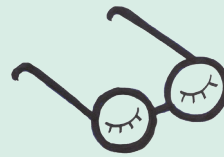
حسرت

دکتر لبخندی زد و گفت: مبارک باشد، بارداری. و با حسرت به عکسی که سال‌ها ۲ نفره باقی مانده بود نگاه کرد.



امید

دکتر اول گفت: بیمار شما چند روز بیشتر زنده نیست. دکتر دوم گفت: امیدتان به خدا باشد. و در ذهنش مرور کرد که قرار بود چند سال پیش بمیرد.



قضایوت

می‌گفتند چشم دیدنم را ندارد. ناخواسته نسبت به او تنفر داشتیم. دیروز برای اولین بار او را دیدم. با همان عینک دودی که نمی‌دانستم همیشه بر چشم دارد.



روانپزشک

جعبه را به بیمار نشان داد و گفت: این قرص را برایت نوشتم. بیمار از اتاق خارج شد. دکتر، یک لیوان آب برداشت و یکی از همان قرص‌ها را خورد.



زندگی جهنمی

زن: حضری تا جهنم هم با من بیایی؟ مرد: بله. همان‌طور که این زندگی را تحمل کردم!



پایان

پلک‌هایش سنگین شد و رویای شیرین انتهای جاده را دید. ناگهان صدای مهبیبی آمد. چشم‌هایش را باز کرد. اما آن چه دید انتهای زندگی‌اش بود.



مسمومیت

مقدار زیادی سم سوسک را در اتاق خوابش ریخت. صبح به جای جنازه سوسک‌ها، جنازه او را از رخت خواب بیرون کشیدند.



دیر

همه کارهایش را برای لحظه آخر می‌گذاشت. زمانی که خیلی دیر شده بود. تصمیم گرفت بمیرد. اما برای مردن هم دیر شده بود.



مُسکن

دکتر: یک مُسکن برایت نوشتم. روی نسخه نوشته شده بود: نوازش پر مهر مادر، روزی سه بار

هموفیلی



جواد بهروزی

دانشجوی دکتری ژنتیک پزشکی
دانشگاه تربیت مدرس



بیماری هموفیلی یک اختلال ژنتیکی است که در اثر کمبود فاکتورهای انعقادی خون به وجود می آید. در افراد سالم بلافاصله پس از ایجاد جراحت و خونریزی، فاکتورهای انعقادی خون فعال شده و باعث لخته شدن خون در محل آسیب و در نتیجه جلوگیری از خونریزی می شوند در صورتی که در بیماران هموفیلی لخته شدن و بند آمدن خون مدت زمان بیشتری طول می کشد. چندین فاکتور انعقادی در ایجاد لخته شدن و جلوگیری از خونریزی دخیل می باشد ولی شایع ترین نقص مربوط به فاکتور انعقادی ۸ و ۹ می باشد که به ترتیب باعث بروز هموفیلی نوع A و B می شوند.

در این بیماری فرد با کوچکترین ضربه یا صدمه دچار خونریزی طولانی مدت به علت منعقد نشدن خون می شود که با تورم و درد شدید همراه است، همچنین در نوع شدید بیماری گاهی خونریزی به صورت خود به خود صورت می گیرد و اگر درمان و مراقبت ویژه به موقع انجام نشود فرد دچار معلولیت، از دست دادن عضو و گاهی مرگ می شود. بیماری هموفیلی مسری نبوده و به غیر از پیوند کبد، فاقد درمان همیشگی است و بیمار فقط با تزریق آمپول انعقادی می تواند به زندگی ادامه دهد.

شایع ترین علامت هموفیلی خونریزی غیرقابل کنترل و بیش از حد به علت کمبود یا عدم وجود فاکتورهای انعقادی در خون می باشد. خونریزی حتی می تواند بدون هیچ گونه آسیبی رخ دهد. سایر علائم این بیماری شامل کبودی های متعدد، خونریزی، ورم و درد مفاصل، وجود خون در ادرار و خون دماغ شدن های

متعدد می باشد.

بر اساس آخرین سرشماری های انجام شده ۱۰ هزار و ۹۸۴ نفر در کشور ما به بیماری هموفیلی مبتلا هستند. بیشترین سکونت افراد مبتلا به بیماری هموفیلی در تهران است و استان خراسان رضوی با ۱۱۵۳ نفر بیمار مبتلا به هموفیلی در رتبه دوم قرار دارد.

سبک زندگی در افراد مبتلا تاثیر مستقیمی بر شدت این بیماری دارد و ورزش سبب می شود عوارض بیماری هموفیلی کاهش یابد. ورزش هایی مانند شنا در کنار تزریق فاکتورهای انعقادی نوعی درمان مکمل برای بیماری هموفیلی محسوب می شود زیرا به قوی شدن عضلات کمک می کند و

در نتیجه محافظت بهتر از رگها از پارگی رگها و خون ریزی زیاد جلوگیری به عمل می آید.

پیش گیری از تولد فرزند مبتلا به هموفیلی هموفیلی A و B اختلالات انعقادی وابسته به کروموزوم جنسی هستند و نقص ژنی مربوط به این بیماری بر روی کروموزوم X قرار دارد. به همین علت اکثر مبتلایان به این بیماری مردان هستند و زنان معمولاً به صورت ناقل بیماری می باشند و از نظر ظاهری سالم هستند. در صورتی که زنی برای این بیماری ناقل باشد و قصد بارداری داشته باشد در صورتی که فرزند او پسر باشد به احتمال پنجاه درصد مبتلا خواهد

بود و در صورتی که فرزند او دختر باشد به احتمال پنجاه درصد به مانند خودش ناقل خواهد بود.

در رابطه با بیماری هموفیلی بایستی سه گروه از افراد قبل از اقدام به فرزند آوری با مشاور ژنتیک مشورت نمایند. اولین گروه دختران پدران مبتلا به هموفیلی هستند، چرا که این افراد اشخاص ناقل اجباری این بیماری هستند یعنی صد در صد حامل بیماری می باشند. گروه دوم خواهران بیماران مبتلا به هموفیلی هستند. این افراد به احتمال پنجاه درصد می توانند ناقل

شایع ترین علامت هموفیلی خونریزی غیر قابل کنترل و بیش از حد به علت کمبود یا عدم وجود فاکتورهای انعقادی در خون می باشد. خونریزی حتی می تواند بدون هیچ گونه آسیبی رخ دهد. سایر علائم این بیماری شامل کبودی های متعدد، خونریزی، ورم و درد مفاصل، وجود خون در ادرار و خون دماغ شدن های متعدد می باشد.

این بیماری باشند. گروه سوم زنانی هستند که کودک هموفیلی دارند این اشخاص هم ناقل اجباری بیماری هموفیلی هستند. حتی در افرادی که جزو این سه دسته هم قرار نمی گیرند، بهترین راه پیشگیری از ازدیاد بیماری هموفیلی در کشور مشاوره ژنتیک پیش از ازدواج یا تشخیص به موقع بیماری در جنین است. متأسفانه تفکر اشتباهی در میان مردم رایج است و آزمایش قبل از ازدواج را همان آزمایش ژنتیک می دانند، در حالی که این آزمایش تنها برای تشخیص بیماری تالاسمی و اعتیاد انجام می شود و لازم است زوج های جوان پیش از ازدواج علاوه بر آزمایش خون مشاوره ژنتیک نیز داشته باشند. در این حالت مشاور ژنتیک می تواند با ترسیم شجره نامه ژنتیکی فرد و بررسی های لازم متوجه شود که در بین افراد فامیل فرد مورد نظر این بیماری وجود داشته است و در صورت لزوم فرد را به عنوان ناقل احتمالی بیماری برای آزمایش ژنتیک معرفی می کند. در رابطه با تشخیص پیش از تولد جنین های مبتلا به این بیماری نیز در کشور ما پیشرفت های قابل توجهی صورت گرفته است. در صورتی بارداری می توان جنین بیمار مبتلا به هموفیلی را از هفته سوم بارداری می توان تشخیص داد و تا قبل از چهار ماهگی مجوز قانونی و شرعی سقط برای جنین بیمار وجود دارد.

سوژه های چشمه ای



اولا که در شان دانشجوی تربیت مدرس نیست که روی بنر اورژانس همچنین مطالبی بنویسد. دوما باید دید این پزشک اورژانس چه کار کرده که دانشجوی دانشگاه ما مجبور به چنین کاری شده است.



این تصویر از مفاهیم بسیار زیادی برخوردار است: ۱. امور فرهنگی از اینور (دقیقا توی زمین). امور فرهنگی خیلی هم لازم نیست فرهنگی باشد، همین که در حاشیه جدول است کفایت می کند. جهت نشستن می توانید به کنار تابلوی امور فرهنگی مراجعه کنید. خیلی هم لازم نیست در بند تابلو و اعلان ها باشید همین که هست کافی ست. در این معرکه فرهنگی تعدادی ته سیگار نیز یافت شد که نشان از خیلی فرهنگی بودن این مکان است. لطفا کاری نکنید که دست چشمه ای ها سوژه بدهید زیرا دل پری داریم.



باتشکر از روابط عمومی دانشگاه
مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با ذکر منبع، مانعی ندارد

صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیرمسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سر دبیر و دبیر تحریریه: مصطفی چراغی
مدیر اجرایی و ویراستار: سودابه شجاعی
محرر طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیای مهر معرفت

دوهفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



نسرین خدامرادی

دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی آب دانشگاه تربیت مدرس



گاهی وقتا بعضیا یه جوری درس میخوونن که هم حال خودشون از خودشون به هم میخوره و هم حال دیگران! آخه واقعا این چه وضعیه؟ آرامش رو از خودت میگیری! از هم اتاقیات میگیری! از خانوادت میگیری! آخرشم با یه نمره، نفس عمیق میکشی و فارغ از همه عالم و علما میشی. یکم به فکر خودت باش، درس همییییییییییییشه هست! ولی خودت ممکنه همیشه هم نباشیها!
از ما گفتن بود!
نگی نگفتی!؟



در ضمن خسیس بودن توی نمره، آخر

بعضیا هم یه جور با کلاس درس میخوونن و ژست میگیرن که نگو و نپرس!
صداشونم میکنی اصلاً به روی خودشون نمیارن و انگار در کتابهاشون غرق شدن که نه میشنون و نه میبینن!
اینا یا اصلاً نمره ده نمیگیرن یا اگه میگیرن یه بیست میگیرن یه بیست خسیسانه و بخیلانه!
آخه علمی که نتونی یه سوال مارو جواب بدی فقط به درد خودت میخوره آدم باید یه جور بیست بگیره که به درد آخرتشم بخوره!
اصلاً این بیست شما، زکات داره باید پرداخت کنی حالا اگه با ثقل به ما نمیرسونی قبل امتحان یه وقتی برای ما بذار از دانستنی هات بهره مند بشیم. در ضمن خسیس بودن توی نمره، آخر و عاقبت نداره. دیدم که میگم!



آنتن تلویزیون خوابگاه رو رو به راه کنه و بعد شب پیچ کنه! یه کاسه تخمه آفتابگردون دارم هر که پایه ست ده دقیقه دیگ اتاق تلویزیون!
اصلاً یه وضعیه خدا میدونه و میبینه!

عاشق این رفقای اهل دلم که علاوه بر اینکه خودشون درس نمیخوونن نمیدارن کسی هم درس بخوونه اصلاً شب امتحان شب جشن این رفقااست!
دمشون گرم!
لایک داری داداش!
لایک داری همشیره!
اصلاً ما با درس به کجا رسیدیم بیا جدیدترین فیلم جنجالی بوق رو که گرفتم یه یک ساعت می بینیم بعدش اگه خدا خواست و خوابمون نمیومد و گشتمون نبود و فیلم جدید نرسید درس می خونیم فردا سر جلسه هم خدای متقلبین بزرگه!
ای وای که باید پست هم بذاره شبهای امتحان و بی قراری من و دوستان یهویی!

البته میدونم همه اینا، کار دشمنه وگرنه ساعت یازده و نیم شب پا نمیشه بره

دعوت به همکاری

نشریه چشمه از دانشجویان خوش ذوق و صاحب قلم دعوت به همکاری می نماید. علاقمندان می توانند دیدگاه ها، افکار، تجربیات، برداشت ها و پیشنهادات خود را در قالب های گزارش، طنز، شعر، داستان، دلنوشته ها و کاریکاتور ارسال نمایند. برای ارسال، از هر راه ارتباطی می توانید استفاده کنید، هم ایمیل داریم و هم در شبکه اجتماعی حاضریم، اگر تشریف بیاورید، در گروه نویسنده های چشمه هم پذیرایتان خواهیم بود. برای شماره آتی، منتظران هستیم ...

